

نگاه

رفرمیستی خسوف گریز

پدرام سهرابیو

«آزادی تبار و نیاکانی درخشان دارد.» شاید انقلاب فرانسه مهم‌ترین رویداد اروپای قرن هجدهم باشد؛ رویدادی که در پی یک رشته رویدادهای مهم دیگر در اروپا، همچون رنسانس، اصلاح دینی، پیمان وستفالیا و انقلاب صنعتی، نه‌تنها تأثیر شگرفی بر جامعه فرانسه بر جا گذاشت بلکه مسیر رخندهای جهانی را نیز تاحدودی تحت تأثیر و نفوذ خود قرار داد. وقوع انقلاب در فرانسه و تبعات آن در زمینه‌ای از عوامل و علل عینی و ذهنی مورد تحلیل صاحب‌نظران قرار گرفته است. تصنیقات اجتماعی، خودکامگی و استبداد پادشاهان فرانسه بالاخص لویی شانزدهم و همسرش ماری آنتوانت و مشکلات متعدد اقتصادی و مالی دولت فرانسه انگیزه فراوانی در میان عموم مردم برای درهم شکستن رژیم سلطنتی و برپانداختن نظم کهن ایجاد کرده بود. در عین حال این انگیزه‌ها بر بستری از زمینه‌های فکری استوار بود که ملهم از آثار روشنفکران «عصر روشنگری» بود. آمیزه‌ای از بی‌کفایتی و فساد حکام، وجود تبعیض در میان اقلشار و طبقات مختلف مردم، فقر و ادبار عموم شهروندان و تصویر جامعه‌ای آرمانی و منزّه از همه ناهنجاری‌ها و کژروی‌های موجود، خشم ملت فرانسه در نفی وضع حاکم را به انقلابی نوظفده بدل کرد؛ انقلابی که اگرچه به سقوط سلطنت انجیام اما این تنها نتیجه آن نبود. بروز اختلافات ناشی از جنگ قدرت، شیوع و گسترش خشونت و اعراب، استفاده ابزاری از قافون و ارزش‌های مورد نظر مردم (آزادی، برابری و برادری)، بروز هرج و مرج و نهایتاً سربرآوردن حکومت دیکتاتوری و جنگ‌طلب نابالغون از دیگر نتایج انقلاب کبیر فرانسه بود. در چنین فضایی آدموند برک (۱۷۹۷–۱۷۲۹) متفکر بریتانیایی، به انتقاد از اصل انقلاب و ضرورت پاسداری از نهادهای و نظم سنتی پرداخت. او همچون دیگر اندیشمندان و نظریه‌پردازانی که با مشاهده وضع موجود و تشخیص انحراف و ناکامی در آن به ارائه راهکار می‌اندیشند، پدیده انقلاب و نتایج و اثرات آن را (به عنوان پدیده‌ای نامطلوب) مورد توجه قرار داد. به همین دلیل او با و به عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز اندیشه محافظه‌کاری یاد می‌شود. اندیشه محافظه‌کاری مدرن در پاسخ به تحولات نیمه اول قرن هجدهم تا نیمه اول قرن نوزدهم در اروپا تکوین یافت. با این همه مشخص کردن مختصات اندیشه محافظه‌کاری عملی دشوار است زیرا اساساً ماهیت واکتشی‌های محافظه‌کارانه نسبت به تغییر و تحول اجتماعی بسیار متفاوت بوده است.

بنابراین محافظه‌کاری از نظر ایدئولوژیک به هیئت‌های متفاوتی رخ می‌نماید. اندیشه سیاسی آدموند برک در واقع تلاش فکری او برای طرد و رد اعمال رادیکال و خشونت‌آمیز برای تحقق اهداف انسانی و سیاسی بوده است و از این منظر می‌توان او را اندیشمندی لیبرال و رفرمیست در نظر گرفت چراکه او در عین انتقاد به انقلاب فرانسه از منتقدان جدی سررده‌اری در اروپای قرن هجدهم نیز به شمار می‌رود. برک در اثر کلاسیک خود «تاملاتی درباره انقلاب فرانسه» تلاش برای پاهریزی یک قانون برخورداری بر مبنای نظریه‌های سیاسی آرمانگرایانه و انتزاعی را مردود دانست و نظم اجتماعی سنتی را تداوم عقل الهی و طبیعی و فراتر از اندیشه و عقل فیلسوفان قرار داد. به نظر برک تاریخ و طبیعت در حقیقت موجودیتی پیوسته دارند و نهایتاً یکسان انگاشته می‌شوند. برک نهادهای سیاسی، ثروت و عطایای خداوندی را جاری در تاریخ و طبیعت می‌دانست که در مقطعی از زمان به ما می‌رسند و ما وظیفه داریم از آنها پاسداری و آنها را به فرزندان خود منتقل کنیم. برک که در انتقاد به نظام برآمده از انقلاب در فرانسه نظر به کارایی و اصالت نظام مشروطه در انگلستان داشت، نظام سیاسی موجود در کشور را هماهنگ با نظم جهان و شیوه زیست مقررشده برای اعضای جامعه به شمار می‌آورد. اصالت دادن به تجربه زیست‌شده و میراث کهن در اندیشه برک چنان بود که از انقلابیون را به سبب تخلف و تخفیف تجربه به عنوان «دانش مردم بی‌هنگ» نکوهش می‌کرد. او باور داشت حقوق اساسی مورد نظر انقلابیون به حقوق واقعی مردم آسیب می‌رساند. از نظر او جامعه مدنی، حکومت قانون، عدالت، در روابط انسانی، حق مالکیت و برخورداری از اتمرات کار و کوشش مردم، کسب آموزش، بر برخورداری از تغذیه و معاش مناسب، حق انجام اموری که انسان‌ها خود قادر به آن هستند بدون آنکه حقوق دیگران را نقض کنند و حق برخورداری از امتیازات منصفانه ناشی از حضور و فعالیت فرد در جامعه از جمله بنیاد-تئری حق حقوق مردم است. به اعتقاد برک، انقلابیون با ساده‌سازی سیاست و قوانین که فی‌نفسه پدیده‌هایی پیچیده هستند تنها بر برخی از حقوق مردم تأکید می‌ورزند و حاضرند بقیه حقوق را در مسیر تحقق بخشی از حقوق انسانی قربانی کنند. حال آنکه به نظر او بهتر است کلیت حق حقوق و غایات انسانی به وجه ناقص‌تر اما هماهنگ‌تر و متعادل‌تری تأمین شود تا آنکه برخی از آنها به نفع برخی دیگر مورد غفلت و بی‌اعتنایی قرار گیرند. برک معتقد بود دین و دولت باید پیوندی استوار با هم داشته باشند. به زعم او دولت به موجب حقوق طبیعی برقرار نمی‌شود بلکه نسبت به آن متاخر است. حقوق طبیعی پیش از تشکیل دولت وجود داشته و دارد ولی تدبیر عقل آدمیان وجود تشکیلات دولت و حکومت را ضرورت می‌بخشد. دولت وسیله‌ای برای تأمین نیازها و حوائج آدمیان است و شاید اولین گام در راه تحقق این هدف بزرگ، اعمال محدودیت کافی بر امیال و خواسته‌های انسان‌هاست تا حکومت قادر باشد مرجع مشترکی از علایق شهروندان خود را برآورده کند. بر این اساس انسان‌ها حق براندازی و اسقاط دولتی و نارندارند. دولت در اندیشه برک موجودیتی مقدس و احترام‌انگیز است. تعقیب حقوق و غایات آدمیان صرفاً از مجرای اصلاحات تدریجی و حفظ شئون و حرمت نهادهای و سنت‌ها برآورده می‌شود. احترام به نهادهای به جامانده از نیاکان مانع ظهور گسیختگی و اختلاف و هرج و مرج می‌شود که این گسیختگی و هرج و مرج به باور برک هزاران بار بدتر و زیان‌بخش‌تر از آفات تعقیبات کور‌کورانه است. رعایت جانب احتیاط در واکاوی پیرامون نراسی‌ها و مفاسد احتمالی در نهاد حکومت موجب آن می‌شود تا

اندیشه اصلاح آن هیچ گاه از طریق اخلاص در آن پیگیری نشود، چنان که این سبب پایداری به همان طور که آن احترامی ووظیفه‌شناسانه و تشویشی اضطراب‌آلود به جراتح پدر خود دست می‌زند به اصلاح نراسی‌های دولت همت گمارد، با این همه، بر به دلیل مختصات اندیشه خود بیش از آنکه محافظه‌کاری مدافع وضع موجود به شمار آید، اصلاح‌طلبی خشونت‌گریز محسوب می‌شود.

چرا ادموند برک مخالف انقلاب فرانسه و حامی استقلال امریکا بود

مشروطه‌خواه آزاداندیش

تمینا رستگاری

مواضع ادموند برک در قبال انقلاب فرانسه در یادداشت‌هایی کمتر از یک سال بعد از این انقلاب یعنی در همان اوان وقوع آن به صورت مجموعه‌ای با نام تاملاتی درباره انقلاب فرانسه منتشر شدند. این مواضع چندان شناخته‌شده و مهیاند که کمتر محققی را به جست‌وجو درباره سایر مواضع سیاسی او ترغیب می‌کند اما برای شناخت اندیشه ادموند برک موضع‌گیری سیاسی وی به نفع جنبش ایرلندی‌ها، علیه استعمار انگلستان و همچنین مواضع او در دفاع از استقلال امریکا الزامی است. انتشار اولین نوشته ادموند برک در نقد شدید انقلاب فرانسه نزدیک‌ترین دوستان سیاسی وی را به تعجب واداشت؛ همان دوستانی که می‌دانستند او درباره استقلال امریکا چه می‌اندیشد و همراه با برک جریان نوپای لیبرالیسم انگلستان را که در مقابل محافظه‌کاران قد برافراشته بود، هدایت می‌کردند. کار حتی به آنجا رسید که برخی نزدیکانش وی را متهم کردند که این نوشته‌ها را به سفارش برخی از اشراف‌زادگان انگلیسی که بالطبع در انقلاب فرانسه جز دشمنی با اشراف نمی‌دیدند و در ازای دریافت مبالغ هنگفتی نوشته است. تأکید ادموند برک مبنی بر اینکه «هرگز ابزاری در دست قدرت نبوده و تملق بزرگان را نگفته است و نمی‌خواهد واپسین کارهای عمر او تکذیبی بر روال زندگی‌اش باشد» تأثیری در دفع این اتهام نداشت.

نکته اصلی در فهم منتقدان برک توجه به «زمان انتشار» رساله اوست. باید سال‌ها می‌گذشت تا صفت پیشگویانه به زودهنگام بودن نقدهای بنیادین او اضافه شود. مری ولستون کرافت که بعدها با انتشار کتاب دفاع از حقوق زنان به شهرت زیادی رسید و نامش به عنوان یکی از مهم‌ترین بنیانگذاران این حوزه در جهان ثبت شد، اندکی پس از انتشار تاملاتی درباره انقلاب فرانسه نقد غرابی با عنوان «در دفاع از حقوق بشر» منتشر کرد و در مقدمه آن،

تعجب خود را از اینکه فردی که پیش از این به دفاع از استقلال امریکا برخاسته و همچنین کرسی نمایندگی خود را به دلیل دفاع از ایرلندی‌ها از دست داده چگونه توانسته چنین بی‌رحمانه در مورد ملتی دیگر که از نیز برای دفاع از حقوق خویش دست به انقلاب زده، اعلام کرد. ولستون کرافت خطاب به برک می‌نویسد: «شاید مشکل شما این است که فرانسوی نیستید و اگر به عوض آنکه در شهر دویلین به دنیا آمده بودید در یکی از شهرهای فرانسه متولد می‌شدید شما نیز به اندازه فرانسویان از انقلاب دفاع می‌کردید».

اکنون ادعای گزافی نیست اگر بگوییم کسانی که

«دانستن این موضوع که تا چه اندازه از یک شر را می‌توان تحمل کرد تا کوشش برای ایجاد نظامی پاک و سالم، به جای امحای رفتارهای نادرست موجود، باعث بروز فسادهای تازه برای پوشاندن و آیین ساختن فسادهای کهنه نشود، ساده و بی‌اهمیت نیست»

حزم و فراس‌ت آدموند برک در سیاست‌ورزی و تفکر سیاسی در این میان شکل می‌گیرد. برک در زمانی که «دستگاه حکومت هم مرعوب است و هم خوار و ذلیل، قوانین فاقد وجهه احترام‌انگیز است و اجبار و وادارسازی آنها موجب نفرت، همه شایستگی‌های جهان چراغ اثر خود را از دست داده‌اند، تکیه بر دل‌ها و قلب‌ها سرکشت شده و دستورهاهمان کمتر مورد اطاعت قرار می‌گیرد. کمتر چیزی در بالا و پایین، در خارج و داخل، درست و کامل است، از هم پاشیدگی و آشفتگی در ادارات، در احزاب، در خانواده‌ها، در پارلمان، در ملت، از حد هر گونه بی‌نظمی‌های پیشین گذشته است» (برک، تاملاتی در علت ناخشنودی‌ها در آنچه هست را ناشی از نراسی‌هایی در مشروطیت و کارکرد حکومت می‌دید، چه آنچه اگر مردم بری از خطا و اشتباه نیستند، اما هرگز خیانت از آنان سر نمی‌زند، اما حکومت نه‌تنها میرا از خطا نیست که خیانت‌عامدانه از سوی حاکمان هم دور از انتظار نیست.

در سال ۱۷۴۲ یکی از اعضای مجلس عوام، مقالاتی در نقد و مخالفت یکی از درباریان منتقد به نام «لرد بوت» نگاشت و منتشر کرد. او را که نماینده مردم «میدلسکس» در پارلمان بود، از مجلس عوام اخراج کردند و یک جا او را به زندان محکوم کردند. «جان ویلکس» نماینده‌منتقدان کشور خارج شد و برای محکومیتش به انگلستان بازنگشت. او را از حمایت قوانین محروم اعلام کردند. پنج سال بعد مجلس عوام منحل شد. ویلکس به انگلستان بازگشت و بار دیگر از سوی مردم به نمایندگی پارلمان برگزیده شد. نفوذ دربار در مجلس باعث شد بار دیگر او را از مجلس اخراج کنند. در انتخابات بعدی باز از سوی مردمش با اختلاف بسیاری از رقیبش منتخب مجلس عوام شد و مجلس تابع دربار، مصمم بود از نمایندگی او امتناع ورزد. جان ویلکس را متهم به اعمال مذهبی عفت کردن و مقالاتش را مغایر با ضابطه و اخلاق و مذاهب مردم دانستند. برای بار چهارم، با وصودی که همه قدرت‌شاه برای ناکامی او جزم شده بود، بار دیگر مردم میدلسکس جانب او را گرفتند و با رای بالایی منتخب خود ساختند. با این همه مجلس به جای او رقیبش را که رای اندکی داشت برگزید. مجلس عوام از کارکرد اصلی خود در یک حکومت مشروطه منحرف شده بود و حکومت انگلستان با ابزار کردن پارلمان، می‌رفت تا خود را به یک الگارشی سلطنتی تبدیل کند. آدموند برک در سال ۱۷۶۵ وارد پارلمانی شد که «مردان شاه» آن را تبدیل به حامی صرف و مطاع دربار و شاه کرده بود. نمایندگان مردم که جانب مردم را نگه می‌داشتند به «بهانه‌هایی زنده و بی‌شرمانه» از حق خود مسلوب می‌شدند. «پیش از آنکه پارلمان را تابع نظامی کنند که مالا از مقام والای یک شورای ملی به مرتبه آلت ساده در دست دربار تنزل یابد، باید در محصلت اصلی پارلمان تغییر اساسی داد.» در اواخر قرن ۱۷ مردم انگلستان سر پادشاهی را بریدند

انتقادات برک به انقلاب فرانسه را برنفتاند اگر چند سالی منتظر می‌ماندند قطعا به جای متهم کردن او به فروختن قلمش او را می‌ستودند. در واقع آنچه تاملاتی درباره انقلاب فرانسه را به متنی مشهور و غیرقابل اغماض در میان متون علوم سیاسی تبدیل کرد فقط شیوه نگارش و موضع‌گیری آشتی‌ناپذیر آن نسبت به انقلاب نبود بلکه زمان اتخاذ آن مواضع نیز اهمیت داشت.

زبان ادموند برک در نقد انقلاب فرانسه بسیار تند است

و بدون اغراق با برخی از معروف‌ترین نوشته‌های طرفداران انقلابیون هم‌اوردی می‌کند: «اگر قبح سلطنت معزول فرانسه شبیحی بی‌شکل و هولناک برخاسته؛ شبیحی در کسوتی ترسناک‌تر از آنچه بتواند در تصور و تحمل بشر بگنجد، شبیحی که یکسره به هدف نهایی خود هجوم برده و بدون

واهمه از ویران ساختن همه چیز و بدون اندیشه کردن به ندامت و رح و به‌رغم تمامی حکمت‌ها و به‌رغم عقل سلیم در برابر تمامی کسانی که باور نمی‌کردند چنین چیزی می‌تواند وجود داشته باشد، ظاهر شده است.»

زبان برک در این نوشته خواننده را به یاد توصیف ماركس از انقلاب کمونیستی

البتّه با یک تفاوت عمده که ماركس به برآمدن این شیخ را آغاز بشری به شمار می‌آورد. حال آنکه برک آن را شروع زوال بشر می‌داند!

سال سوال این است که برک چرا در سال ۱۷۹۰ یعنی زمانی که نه هنوز شاهی کشته شده بود و نه گوتیبن به مهم‌ترین ابزار پیشبیرد اهداف انقلابی تبدیل شده بود، نه هنوز اموال کلیسا به نفع دولت صادره شده بود و نه کشاورزان قصرهای خالی مانده از اشراف را تصاحب کرده بودند علیه انقلاب موضع گرفت؟ و خود را یک‌تنه سپر روح به خروش آمده یک ملت ساخت؟ برک در مخالفتش همراهی پیدا نکرد حتی چارلز جیمز فاکس نزدیک‌ترین دوست او و رهبر حزب لیبرال هم متفرعانه فکر می‌کرد انقلاب باعث خواهد شد تا ملت فرانسه از همان آزادی‌هایی که انگلیسی‌ها از آن برخوردارند بهره‌مند شوند و شاید این مساله آنها را به ملتی محترم شبیه انگلیسی‌ها تبدیل کند. برای یافتن پاسخ کلامی به این پرسش باید رساله برک را که متأسفانه تا به امروز به فارسی ترجمه نشده است، مطالعه کرد اما از باب اشاره‌ای ترغیب‌کننده می‌توان به دو نکته اساسی آن اشاره کرد.

نکته اول نگاه برک به قرارداد اجتماعی است. او بر این نظر است که آنچه نظم را در جامعه ممکن ساخته و پیشرفت و سعادت را به همراه می‌آورد وجود قراردادی

آند پيشه



است که نه فقط حیات مادی و معنوی ساکنان امروزی آن جامعه را در برمی‌گیرد بلکه قراردادی است میان زندگان با پیشینیان و همچنین با کسانی که پس از آنها در آن جامعه زندگی خواهند کرد؛ از این رو برهم زدن چنین قراردادی با معاملات خردی که ما برای پاسخ گفتن به نیازهای جسمانی خویش می‌بندیم شباهتی ندارد و کسانی که گمان می‌کنند می‌توانند فقط به صرف میل خاوسته و خواست خود خویش قرارداد اجتماعی را فسخ کنند تنها بی‌نظمی را دامن خواهند زد که به ده‌ها سال زمان برای بازسازی آن نیاز خواهد بود. این بخش از منطق برک که شاید محافظه‌کارانه‌ترین بخش آن باشد همچنان موضوع ارجاع تمامی ضدانقلابیون جهان است

اما زمانی که آن را در کنار دیگر منطق مهم برک قرار دهیم شاید بتوان قرائتی دیگر از آن به دست داد. نکته دوم تعادلی است که برک بین قدرت و مالکیت برای حفظ نظم و ثبات در یک جامعه لازم می‌بیند. طرف‌نمندان بدون تعلق برای برک مردمانی بودند که انقلاب فرانسه آنها را به تحمیل‌کردن یک سیستم سیاسی تبدیل می‌کرد و از این رو این انقلاب مورد انتقاد برک بود و ساکنان امریکا مالکانی بودند که توسط سلطنت انگلستان از تصمیم‌گیری سیاسی در مورد سرنوشت خویش به دور نگه داشته شده بودند و از قانون اساسی قرار خواهد گرفت که می‌خواهد مانند امری مهم آن حفظ کند.»

و باید همه چیز را از ابتدا آغاز کنید. سرفاژ کار شما سپیدند نه‌، زیرا آن را با تحقیر چیزهایی که به خودتان تعلق داشت، شروع کردید.» آنان حق آزادی را دست‌لویزی کرده بودند تا حقوق دیگر مردم را که از قبل اجتماع انسانی به آنان عرضه شده بود سلب کنند. عطای حق انتزاعی و بی‌ارتباط با هر حق جامعه، چون کالبدی تهی از روح، به استبداد و دجج مرج خواهد گروید. «حکومت دستگاهی است که آفریده خرد انسانی است. برای برآوردن نیازهای او اجتماع ایجاد می‌کند که نه‌تنها شهوات مردم تابع قیودی شود، بلکه حتی تمایلات آدمیان، به طور اجتماعی یا فردی، اغلب خنثی شود و بر اراده آنان ضوابطی فرماترأ شود. از این رو ضوابط و قیود رفتار مردم باید همچون آزادی‌های آنان از جمله حقوق آنان شمرده شود.» پارلمان به مثابه منبعی از تجمع عقل‌انیاست‌شده از میراث گذشته است. پارلمان به عنوان نهادهای مصنوع جامعه انسانی است که محل تعدیل و تحدید تمایلات و انگیزه‌های غیرعقلانی است، چنان که برک انسان را خردمند در چنان عقلانی که در آن دوران می‌پنداشتند، می‌دانست؛ که ملغمه‌ای از تصابت، غرایز، عادات، عواطف و پیش‌اوردهای گوناگونی است که محرک و مبنای کنش انسانی و رفتار جمعی است. او انقلاب عقلانیت صرف به انسان‌ها، ما را به مفات ساده‌اندیشی و سطحی‌نگری در باب تحلیل و پیش‌بینی رفتار انسان‌ها و جامعه می‌کشاند. اما آنچه نهادهای حکومت را از جهت تعادل و توازن سامان می‌بخشد گذر زمان و تجربه‌های به میراث‌رسیده در عمل است و نه لزوماً تئوری‌های انتزاعی و گسسته از عمل انقلابیون فرانسه که «سنساری را خوش دارند و از آراش بیزارند» چون «حکمت مردان بی‌سواد» هر آنچه را که از گذشته باشد مطرود می‌خواهد و توانایی و دست و پنجه نرم کردن با مشکلات آن را به از بین بردن و انهدام کامل نام پیشین‌کننده است، چه «در کاری که هرگز آزموده نشده باشد، هیچ گونه دشواری هم رخ نمی‌دهد».

پارلمان مظهر سنت‌های کهن و پابرجای جامعه و هم‌زمان انعکاس تغییرات و تحولات جامعه در نهاد قدرت است. پارلمان از آن حیث که قابلیت اصلاح و تغییر حکومت را دارد، حافظ سنت و میراث فاضل گذشته است، چنان که «حکومتی که فاقد ابزارهایی برای تغییر باشد، ابزارهایی نیز برای حفظ خود نخواهد داشت. حکومت بدون ابزارهایی برای تغییر، حتی در خطر از دست دادن آن بخشی از موجودیت خود قرار خواهد گرفت که می‌خواهد مانند امر مهمی آن را حفظ کند.» انقلاب تیشیه بی‌خردی توده‌هاست به آنچه عقلانیت میراث گذشته است و پارلمان مظهر عقلانیت پویا و تغییر ستجیده و آزموده وضع موجود.

آدموند برک را نمی‌توان فیلسوف سیاسی به معنای عرف فلاسفه سیاسی زمان در نظر گرفت. برک از مردان انگلیسی خردمندی است که حزم و خرد را در سیاست‌ورزی و در اوضاع و احوال زمان خود به کار می‌گیرد. اندیشه برک سازشی است میان سلیم به واقعبیت و پرور در فراز آندیشه برای منهدم کردن واقعبیات و آغاز از صفر است. روش او آغاز از نظر و نیل به انتزاع برای اندیشه سیاسی نیست. آندیشه‌ها را ناشی از تجربه‌های نسل‌ها در سیاست می‌داند.

سال پنجم - شماره ۱۱۶۲ شمس

گزارش

گزارشی از نشست نقد و بررسی کتاب «کشف‌الاسرار خونیج حلقه مفقوده منطق اسلامی

نشست نقد و بررسی کتاب «کشف‌الاسرار عن غوامض الافکار» تألیف افضل‌الدین الخونیج با حضور ضیاء موحد، سیدمحمود یوسف‌نائی، سیدحسین موسویان و اسدالله فلاحی روز پنجشنبه ۲۳ دی در موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد. ضیاء موحد در این نشست «کشف‌الاسرار عن غوامض‌الافکار» را برای تاریخ ایران و جهان اسلام یک حلقه مفقوده دانست و گفت: «آثار منطقی ما توسط اروپاییان و اعراب به ما معرفی می‌شوند و کتاب کشف‌الاسرار خونیج که به تازگی منتشر شده، در تاریخ ما یک حلقه مفقوده بوده است». بسیاری از صحبت‌ها و بحث‌ها که ریشه آنها بر قسط رشوه نگارش و موضع‌گیری روشن شده‌اند. اینکه برخی صحبت‌های خونیج از خود اوست یا نه، برای ما نامشخص است.» او با اشاره به اینکه تفاوت‌های اساسی بین ابن‌سینا و خونیج وجود دارد، گفت: این‌سینا متوجه برخی چیزها شده بود که خونیج وارد آنها نشده است. ابن‌سینا برخلاف خونیج معتقد بود اگر می‌خواهید یک استدلال را صوری کنید، موضوع و محمول را پیدا کنید. خونیج وارد این بحث نشده است. به طور کلی برخی دقت‌هایی که ابن‌سینا در منطق دارد، خونیج ندارد.

در ادامه در این نشست اسدالله فلاحی استاد دانشگاه زنجان به بررسی کتاب کشف‌الاسرار و شخصیت خونیج پرداخت و گفت: بحث من در مورد محتوای این کتاب است. در خصوص اهمیت این کتاب باید گفت این اثر نوآورترین کتاب منطقی در جهان اسلام پس از منطق شفای ابن‌سینا و همچنین تأثیر‌گذارترین کتاب منطقی در قرون هفتم و هشتم است. خونیج نوآورترین منطقی میان منطق‌دانان متأخر است. منظور از متأخر، منطق‌دانان بعد از فخر رازی است. ویژگی عجیب او این است که او فقیه و قاضی‌القلقت مصر بوده است. این نکته باعث تعجب و حسادت خیلی‌ها بوده است. ملاصدرا و شهزوری از او به نیکی یاد نکرده‌اند. فلاحی یادآور شد: خونیج نوآوری‌های مهمی در منطق داشته است.

زنجان به بررسی کتاب کشف‌الاسرار و شخصیت خونیج پرداخت و گفت: بحث من در مورد محتوای این کتاب است. در خصوص اهمیت این کتاب باید گفت این اثر نوآورترین کتاب منطقی در جهان اسلام پس از منطق شفای ابن‌سینا و همچنین تأثیر‌گذارترین کتاب منطقی در قرون هفتم و هشتم است. خونیج نوآورترین منطقی میان منطق‌دانان متأخر است. منظور از متأخر، منطق‌دانان بعد از فخر رازی است. ویژگی عجیب او این است که او فقیه و قاضی‌القلقت مصر بوده است. این نکته باعث تعجب و حسادت خیلی‌ها بوده است. ملاصدرا و شهزوری از او به نیکی یاد نکرده‌اند. فلاحی یادآور شد: خونیج نوآوری‌های مهمی در منطق داشته است.

یکی از نوآوری‌های او بحث فضایی حقیقیه و خارجیه است. مباحث عکس نقیض و بحث قیاس‌های شرعی دو نوآوری دیگر او هستند. خونیج دوگانه فضایی حقیقیه و خارجیه را به چهار تقسیم‌بندی تبدیل کرد. نوآوری دیگر خونیج تفکیک معدوله از سالبه در ناحیه موضوع است. کشف فزادگی «همیشه صادق» و «همیشه کاذب» از نوآوری‌های دیگر این‌ منطق‌دان هستند. محمود یوسف‌نائی که مقدمه انگلیسی کشف‌الاسرار را ترجمه کرده در این نشست جایگاه خونیج را در منطق اسلامی بالا خواند و گفت: در منطق اسلامی اگر کسی توانسته باشد در منطق ابن‌سینا - عرض اندامی ولو جزئی کرده باشد، خونیج است.

او یادآور شد: در بین آثار خونیج کشف‌الاسرار جایگاه مهم‌تری دارد و لقب او با عنوان «صاحب الکشف» نیز دال بر این مدعاست. کاتبی قزوینی بر این کتاب شرحی نوشته که خود این شرح جزء کتابهای مهم منطق است. این شرح با وجود دشواری و پیچیدگی برای فهم کتاب خونیج مفید است.

او یادآور شد: در بین آثار خونیج کشف‌الاسرار جایگاه مهم‌تری دارد و لقب او با عنوان «صاحب الکشف» نیز دال بر این مدعاست. کاتبی قزوینی بر این کتاب شرحی نوشته که خود این شرح جزء کتابهای مهم منطق است. این شرح با وجود دشواری و پیچیدگی برای فهم کتاب خونیج مفید است.

گزارشی از سخنرانی دبانی درباره خواجه نصیر یک فیلسوف تمام‌عیار

عصر چهارشنبه ۵۲۲ دی نشست «خواجه نصیرالدین طوسی؛ فیلسوف گفت‌وگو» با سخنرانی غلامحسین ابراهیمی‌دبانی در سیرای اهل قلم برگزار شد. دبانی که کتابی با عنوان «خواجه نصیرالدین طوسی؛ فیلسوف گفت‌وگو» نوشته، خواجه را یکی از نوانغ جهان اسلام خواند و گفت: منتفکری به خلوص شیعی خواجه نداریم و اگر داشته باشیم ملاصدراست و ملاصدرا با همه عظمتی که دارد، حسنه‌های او حسانات خواجه است. دبانی نسبت به شناخته‌شدن بودن شخصیت علمی و تاریخی خواجه‌نصیر انتقاد کرد و گفت: یکی از دلایل ناسناخته بودن خواجه این است که جهان اهل سنت و عرب دشمن خونی این مرد هستند به این علت که وی شیعه را بسیار خالصی است و تشیع را خاجا کرد. اما آنچه باعث بهر چیزی موجب این دشمنی با خواجه است، یک مساله کاملاً سیاسی است چون خواجه با تدبیری حکیمانه به ادامه تشخ خویش قرنی حکومت عباسی پایان داد. او در حاکم به نقش خود در فلسفه اشاره کرد و گفت: برخی بر اسراس عنوان کتاب «تجربیرالعقاید» فکر می‌کنند که خواجه متکلم است در حالی که او یک فیلسوف تمام‌عیار است. بر همین کتاب تاکنون ۷۰ شرح نگاشته شده است. این کتاب «تجربیرالعقاید» هم خوانده شده که در عنوان درست است چون تجربیر یعنی از نو نوشتن و بازاندیشی عقاید و جرید یعنی زدودن و عقاید را از خرافات زدودن. کتاب جنبه کلامی دارد اما کلام نیست؛ کلامی از این جهت که به عقاید می‌پردازد اما خواجه با دید عقلانی فلسفی به عقاید پرداخته نه با دید عقلانی کلامی. متکلم سوسی می‌کند عقاید خود را به هر قیمتی ثابت کند اما فیلسوف پیشداوری ندارد و عقاید خود را در کناری گذاشته و با عقل خود حقیقت را می‌یابد.

دبانی در ادامه درباره فلسفه خواجه نصیر گفت: در تاریخ فلسفه‌ها- که معمولاً غربی‌ها نوشته‌اند- می‌گویند بعد از غزالی با نوشتن «تهافت‌الفلاسفه»، فلسفه به خاک سپرده شد. به نظر من کتاب «تهافت‌الفلاسفه» از بدترین کتاب‌ها اما تاثیرگذارترین کتاب در جهان اسلام بوده است به گونه‌ای که ریشه فلسفه اسلام سنی و عرب را خشکاند اما در ایران نتوانست. رنگی‌ها خواجه چند قرن بعد از غزالی، ابن‌رشد از اندلس «تهافت‌التهافات» را نوشت و به رد غزالی پرداخت اما دفاعی ضعیف از فلسفه کرد البته منتسرقان این مساله را نفهمیدند که چندی قبل از ابن‌رشد، خواجه نصیر دفاع از فلسفه کرد و بر عکس این‌شدن دفاع خواجه از فلسفه موثر افتاد. ابن‌رشد در کشور خود یک شاگرد نداشت البته فلسفه او به غرب رفت و غوغا به پا کرد. اما خواجه نصیر فلسفه را در ایران احیا کرد. اگر خواجه نبود یقیناً ملاصدرا و افرادی چون علامه طباطبائی نبودن. خواجه از فلسفه اسلامی دفاع کرد در حالی که ابن‌رشد از فلسفه دفاع کرده است.

دبانی در ادامه درباره فلسفه خواجه نصیر گفت: در تاریخ فلسفه‌ها- که معمولاً غربی‌ها نوشته‌اند- می‌گویند بعد از غزالی با نوشتن «تهافت‌الفلاسفه»، فلسفه به خاک سپرده شد. به نظر من کتاب «تهافت‌الفلاسفه» از بدترین کتاب‌ها اما تاثیرگذارترین کتاب در جهان اسلام بوده است به گونه‌ای که ریشه فلسفه اسلام سنی و عرب را چندانکند اما در ایران نتوانست. رنگی‌ها خواجه چند قرن بعد از غزالی، ابن‌رشد از اندلس «تهافت‌التهافات» را نوشت و به رد غزالی پرداخت اما دفاعی ضعیف از فلسفه کرد البته منتسرقان این مساله را نفهمیدند که چندی قبل از ابن‌رشد، خواجه نصیر دفاع از فلسفه کرد و بر عکس این‌شدن دفاع خواجه از فلسفه موثر افتاد. ابن‌رشد در کشور خود یک شاگرد نداشت البته فلسفه او به غرب رفت و غوغا به پا کرد. اما خواجه نصیر فلسفه را در ایران احیا کرد. اگر خواجه نبود یقیناً ملاصدرا و افرادی چون علامه طباطبائی نبودن. خواجه از فلسفه اسلامی دفاع کرد در حالی که ابن‌رشد از فلسفه دفاع کرده است.

و باید همه چیز را از ابتدا آغاز کنید. سرفاژ کار شما سپیدند

عقلانیت تغییر در نگاه ادموند برک

پارلمان خرد، انقلاب بی‌خردی

مهدی فاتحی

دگرگونی به حکم زمان از روی ضرورت مطابقت با اوضاع و احوال باید در خصلت مجلس روی داده باشد. مجلس نمی‌تواند این خصلت را حفظ کند مگر آنکه مبین طرز فکر و احساس اکثریت مردم باشد. «مجلس عوام برخلاف آیینی سخت مخرب بزرگ ویک به یمن انقلاب بر کشور حکومت داشتند، اما قدرت ویک‌ها آرام‌آرام تا زمان سلطنت جیمز سوم رو به زوال رفت و تئوری‌ها نفوذ خود را گسترش دادند. شاهان جدید عاقله داشتند تا علاوه بر سلطنت، حکومت نیز بکنند. در میانه قرن هجدهم کم کم ماسع، گذشته مردم انگلستان در تعمیق و گسترش مشروطیت و تحدید قدرت

شاه زیر سایه قدرت‌طلبی شاه نادیده گرفته شد. تئوری‌ها قدرت مجلس را منجر به سرسپردگی شاه به پارلمان می‌دانستند و شاه را از ترغیب به بی‌اثر ساختن مجلس می‌کردند.

آدموند برک مشروطه‌خواه آزاداندیش در چنین شرایطی به دفاع از اصلاح تغییر به نفع مردم پرداخت. پارلمان در اندیشه برک جایگاه ویژه‌ای دارد. معنای پارلمان و اثر آن در نگاه برک در تمایز آن با آنچه از سویی در کشورش روی می‌داد و از سویی دیگر بسا آنچه به عنوان رفتار انقلابی ژاکوبین‌ها در مجمع ملی فرانسه بعد از انقلاب شکل گرفته بود، مشخص

می‌شود. درباریان پادشاهی انگلستان او را فردی مبلغ «مهملائی چون آزادی» و حق نمایندگی مردم در قدرت و محدود و مفید ساختن شـاه می‌خواندند و انقلابیون فرانسه وی را به عنوان محافظه‌کاری متفاد آداب و سنن گذشته می‌شناختند. برک را باید به صورت هم‌زمان در مواجهه‌اش با قدرت دربار انگلستان و نیز نقد و مخالفتش با انقلاب فرانسه شناخت.

۱- حکومت مشروطه از آن روی مطلوب و نیکوست که علاوه بر اینکه شاه نتواند خارج از حیطه قانون عمل کند، اختیاراتش در حیطه قانون نیز باید همه بر اساس «صول عمومی و زمینه‌های ملی» اعمال شود. این وظیفه مجلسی متشکل از نمایندگان مردم

که منتخب مردم است و مخالفت برک با انقلاب فرانسه است، متمایز و برجسته نیست، چرا که به اعتقاد برک این خصوصیت به طور یکسان در مورد همه بخش و گشک‌های حکومت صدق می‌کند. آنچه پارلمان را به معنای مشخص نماینده مردم می‌کند، تنها اختلا قدرت از جانب مردم نیست. فضیلت و روح مجلس در آن است که تصویری روشن از احساسات مردم است. هر گونه

۲- تبلور عقلانیت در نیل به منافع جامعه در پارلمان است. انقلاب حد اعالی تفوق انگیزه‌های غیرعقلانی است.

اینجا نقطه افتراق و مخالفت برک با انقلاب فرانسه است، در جایی که اصلاح‌گری عقلانی پارلمان در مقابل رادیکالیسم انقلابی قرار می‌گیرد. مجمع ملی، نهاد انقلابی ژاکوبین‌ها، به واسطه آن کمر به هدم و ویرانی آنچه از گذشته تا به آن روز اندوخته بودند، بستند. برک نهیب زد که «تصمیم گرفتید چنان رفتار کنید که هرگز در اجتماع مدنی قابل‌بررسی نباشید